

تکامل یک تصویر در زبان های سامی: از متون اکدی - آرامی تا قرآن

۳۵-۴۸

چکیده: کانون این مقاله بر سیر تحول یک تصویرسازی در زبان های سامی از سادگی به سوی مبالغه متمرکز است. بر اساس کتیبه های متعلق به سده نهم قبل از میلاد اقوام سامی باستان در نخستین تجربه ذهنی تعبیر «خورده شدن توسط دیگری» را استعاره از «نهایت ذلت و درماندگی» به کار برده اند. این صنعت زبانی در بخش نویم تورات نیز دیده می شود. سپس در متون اکدی - آرامی عبارت «خوردن دیگری» استعاره از «تهمت زدن / بدگویی کردن» استفاده شده است. در عربی با پیمودن یک گام به جلو «خوردن گوشت آدمی» استعاره از «غیبت کردن» می شود. در نهایت، قرآن ناهنجار اخلاقی مذکور را در یک تصویرسازی به «خوردن گوشت برادر مرده» تشبیه می کند.

با توجه به استفاده ریشه *kl*^۱ در این درون مایه مشترک، برای ترسیم بهترین سیر تکامل، در بخش نخست، دو موضوع ریشه شناسی در زبان های آفروآسیایی، کاربردهای معنایی «اکل» در قرآن و *kl/כל*^۲ در تورات عبری مطرح شده است.

واژگان کلیدی: زبان های سامی، ریشه شناسی، تصویرسازی، تکامل زبان، استعاره، تشبیه در قرآن.

The Evolution of an Image in the Sami languages: from Akkadian-Aramaic Texts to the Qur'an

By: Heidar Eivazi

Abstract: This article focuses on the evolution of the image from simplicity to exaggeration in Sami languages. According to an inscription from the ninth century BC, ancient Sami tribes in their first mental experience used the phrase “being eaten by another” as a metaphor for “utter disgrace and helplessness”. This stylistic device is also found in the Nevi'im section of the Torah. Then in the Akkadian-Aramaic texts the phrase “eating another person” is a metaphor of “slander / accusation”. In Arabic, the phrase “eating human flesh” is a metaphor of “backbiting”. Finally, the Qur'an likens the aforementioned moral disorder to an illustration of “eating dead brother's flesh.”

Given the use of the root “kl” in this common use, the first part of the article, in order to better delineate this evolution, discusses two issues of etymology in Afro-Asian languages, as well as the semantic uses of 'kl in the Qur'an and כלל in the Hebrew Torah.

Key words: Sami languages, etymology, illustration, language evolution, metaphor, simile in the Quran.

المسيرة التكامليّة لإحدى الصور في اللغات الساميّة:
من النصوص الأكديّة الآراميّة إلى القرآن
حيدر عيوضي

الخلاصة: تركّز هذه المقالة بحثها حول مراحل تطوّر إحدى الصور في اللغات الساميّة من البساطة إلى المبالغة.

ووفقاً لأحد الألواح التي يعود تاريخها إلى القرن التاسع قبل الميلاد، فإنّ الشعوب الساميّة في أوّل تجاربهم الذهنيّة قد استعملوا عبارة (خورده شدن توتشط ديكرى = التحظّم بفعل الغير) للتعبير عن (أقصى درجات الذلّ والعجز)، وهي الاستعارة اللغويّة التي يمكن مشاهدتها أيضاً في العهد القديم من التوراة.

ثمّ جاءت النصوص الأكديّة الآراميّة لتستعمل عبارة (خوردن ديكرى = أكل الآخر) كاستعارة عن (اللاتهام أو الذمّ والطعن). وخطّت اللغة العربيّة خطوة أخرى في هذه المسيرة لتستعمل عبارة (أكل اللحم البشري) تعبيراً عن (الاستغابة والغيبة)، حتّى انتهى الأمر بالقرآن إلى وصف هذا السلوك الأخلاقي من خلال تشبيهه بصورة (أكل لحم الأخ الميت).

ومن أجل تقديم الصورة الأوضح للمسيرة التكامليّة لهذا المضمون المعنويّ المشترك يبدأ المقال قسمه الأوّل بالبحث في مسألة الجذور اللغويّة KI مع الأخذ بنظر الاعتبار استخدام هذا الجذر في التوراة العربيّة، و KI في اللغات الأفروآسيويّة، واستعملات معنى (الأكل) في القرآن و N[/ ٧.

المفردات الأساسيّة: اللغات الساميّة، الجذور اللغويّة، التصوير، تكامل اللغة، الاستعارة، التشبيه في القرآن.

۱. طرح مسئله

صنایع ادبی چون استعاره و تشبیه از عناصر مهم زیباشناختی زبان اند که برای انعکاس هنرمندانه اندیشه به کار گرفته می شوند. نویسندگان یا سخنور به دلیل آنکه می خواهد در ذهن مخاطب «اندیشه را با انگیزه درآمیزد» از شیوه های هنری گوناگون استفاده می کند. در زبان های سامی شباهت های فراوانی در کاربست این صنایع ادبی وجود دارد.^۱ در این مقاله از طرح مباحث نظری چون ارزش ادبی استعاره و تشبیه یا مزیت های یکی بردیگری صرف نظر شده است^۲ و نگارنده به بررسی درون مایه یک صنعت ادبی متمرکز خواهد بود که ابتدا در ذهن اقوام سامی باستان به صورت استعاره و سپس در جامعه تشبیه بازتابیده است. به عبارت دقیق تر، یک مفهوم اولیه با پیمودن مراحل در نهایت در قالب یک تشبیه مبالغه آمیز بیان شده است.

در قرآن «غیبت کردن» به عنوان یک ناهنجاری اخلاقی به «خوردن گوشت برادر مرده» تشبیه شده است. (حجرات: ۱۲) بر اساس مطالعات زبان شناسی تاریخی. تطبیقی در زبان های سامی چنین می نماید که این تشبیه با طی سه مرحله در زبان های آکدی، فنیقی، آرامی، عبری، عربی در قرآن به اوج هنری خود (نهایت مبالغه در مشبّه به) رسیده است. اقوام سامی باستان نخست عبارت «خوردن گوشت خود» یا «خورده شدن توسط دیگری» را استعاره از «نهایت ذلت و خواری» به کار می بستند. سپس در متون آرامی «خوردن سهم دیگری» در معنای «تهمت زدن / بدگویی کردن» نمایان می شود. وقتی نوبت به زبان عربی می رسد، با پیمودن یک گام به جلو ترکیب «خوردن گوشت دیگری» استعاره برای «غیبت کردن» می شود. سرانجام قرآن برای تأثیر بیشتر آن در ذهن و روان مخاطب، آن را به «خوردن گوشت برادر مرده» تشبیه می کند که در آن ویژگی مبالغه و اغراق به کار گرفته شده است.

از آنجا که در همه این زبان ها و در این درون مایه مشترک همواره ریشه سامی کهن *kl* به معنای «خوردن» استفاده شده است، پرداختن به دو موضوع ضروری می نمود:
الف) مباحث ریشه شناسی مرتبط با این معنا در زبان های آفراسیای
ب) کاربردهای معنایی «أكل» در قرآن و *אכל* / *kl* در تورات عبری.

طرح این دو موضوع ما را در ترسیم مراحل و سیر تحول این تصویرسازی یاری خواهند کرد.

۲. ریشه شناسی (زبان های آفراسیایی)

در لغت مصری فعل *wmm* به معنای «خوردن» برای انسان و حیوان به کار رفته است. این فعل اغلب

۱. کزازی، بیان: زیباشناسی سخن پارسی، ص ۳۰.

۲. البته با توجه به هویت مستقلی که تک تک زبان های سامی دارند، ممکن است هر کدام دارای برخی صنایع ادبی مختص خود باشند. برای مثال راجع به «ایهام ژانوسی» رک به: عیوضی، حبه های نقره فام، ص ۶۱-۵۹.

۳. راجع به مباحث نظری این موضوع رک به:

Lynne Tirrell, "Reductive and Nonreductive Simile Theories of Metaphor", The Journal of Philosophy, Vol. 88, No. 7 (Jul., 1991), pp.

337-358; Robert Fogelin, *Figuratively Speaking* (New Haven: Yale, 1988), p. 59 ff.

در پیوند با *šwv / šwr* «آشامیدن» است. به صورت استعاری به معنای «استحقاق بهره‌مندی از تملک» یا «جذب / بلعیدن چیزی» نیز کاربرد داشته است. این ریشه در مورد اجته، آتش، بیماری و غیره که به نوعی «حالت از بین برنده» دارند نیز به کار رفته است. در سومری برای «خوردن» واژه *kū* به کار می‌رفته که در اصل به معنای «از بین بردن، مصرف کردن» است و همین طور در معنای «قربانی کردن» نیز ظاهر شده است. در اکدی *akālu* در مفاهیم استعاری متعددی کاربرد داشته است: پرداخت پول، کار بستن اشیا، سود بردن از کاری. همچنین برای بیان نابودی و از بین رفتن به دست دشمن، شمشیر، آتش، طاعون و ... نیز به کار رفته است. کاربرد جالب توجه *akālu* با *asakku* و *ikkibu* به معنای «شکست تابو» است (خوردن آنچه ممنوع است).^۴ تقریباً همه این کاربردها در زبان‌های سامی نیز حفظ شده است. به طور کلی ریشه *kl* در همه زبان‌های سامی با همان معنای اصلی «خوردن» یافت می‌شود. در هر دوی عبری و عربی، به ترتیب مشتقات *אכל* با *שָׁתָה / šātaḥ* «نوشیدن» و «أَكَلَ» با «شَرِب» همراه می‌آید: *אָכַל מִמָּה תֹאכְלוּן מִנֶּה וְיִשְׁרַב מִמָּה תִשְׁרַבُون* / *wayōkelū wayištū*: «خوردند و آشامیدند». (پیدایش ۲۴: ۵۴) قس. «يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ». (مؤمنون: ۳۳)

۳. کاربردهای معنایی «أكل» در قرآن و تورات

اگر بخواهیم از اصطلاح منطقی برای نسبت کاربردهای معنایی «أكل» در قرآن و تورات استفاده کنیم، به نظر می‌رسد رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. به عبارتی تورات عبری علاوه بر معنای مشترک، متضمن برخی کاربردهای ویژه است که در ادامه خواهد آمد.

۳-۱. کاربردهای مشترک

الف) خوردن (معنای اولیه و پرکاربرد)

كُلَّا مِنْهَا رَعَدَا. (بقره: ۳۵، ۵۷ و سراسر قرآن)

از همه درختان بی ممانعت بخور. (پیدایش ۲: ۱۶؛ اعداد ۱۱: ۴؛ تثنیه ۸: ۳ و ...)

ب) بهره‌مندی از نعمت / مصرف کردن

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا... لِأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ. (مانده: ۶۶)

به زمین یهودا فرار کن و در آنجا نان بخور و در آنجا نبوت کن. (عاموس ۷: ۱۲)

ج) گرفتن مال غیر، غصب کردن

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ. (بقره: ۱۸۸)

أَكْلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ. (نساء: ۱۶۱)

چرا که ما را بفروخته و سپس بهای ما را خورده است.^۵ (پیدایش ۳۱: ۱۵)

د) سوزاندن، نابود کردن

أَلَا تُوْمَنُ بِرَسُولِ حَتَّى يَأْتِينَا بَقْرِيَانِ تَأْكُلُهُ النَّارُ. (آل عمران: ۱۸۳)
و آتش از حضور خداوند بیرون آمده، قربانی سوختنی و پیه بر مذبح را به کام خود کشید
וַתֹּאכַל עַל הַמִּזְבֵּחַ / *wattōkal 'al hamīzbaḥ*. (لاویان ۹: ۲۴؛ اعداد ۱۶: ۳۵؛ ۲
تواریخ ایام ۱: ۷)

نیز بلعیدن شمشیر:

اگر ترمرد کنید شمشیر شما را خواهد خورد. (اشعیا ۱: ۲۰؛ تثنیه ۳۲: ۴۲)

ه) «أَكُلُ»: محصول، میوه

فَأَتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفِينِ. (بقره: ۲۶۵؛ انعام: ۱۴۱؛ رعد: ۳۵)

در تورات *אֵכֶל / 'ōkel* «واژه اصلی برای اشاره به غذا، محصول که خداوند چه در باغ عدن برای آدم
و حوا، چه در خلال طوفان برای نوح و خاندانش و چه بعد از آن برای همه آدمیان فراهم ساخته».^۶

خدا گفت: تمامی علف های تخم آور ... و همه درختانی را که میوه های ... به شما
می دهم، این طعام شما خواهد بود. (پیدایش ۱: ۲۹، ۳۰؛ ۶: ۲۱؛ ۹: ۳)

و) جویدن / خوردن حیوانات و حشرات

دابة الأرض تأكل منسأته. (سبأ: ۱۴)

کرم ایشان را مثل پشم خواهد جوید. (اشعیا ۵۱: ۸)^۷

۲-۳. دیگر کاربردهای توراتی

از معانی خاص توراتی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) نیوشیدن

سخنان تو آشکار گردید، آنها را نیوشیدم *אֵכְלָם / 'ōkhlem*. (ارمیا ۱۵: ۱۶؛ حزقیال ۳:

۳۰۱)

۵. بخشی از سخنان گلابه آمیز را حیل و لیه در مورد پدرشان لابان؛ «بر اساس رسوم بین النهرین علیا، بخشی از مبلغی که داماد هنگام ازدواج
به پدر زن می پرداخت، تسلیم زن می شد، اما لابان به تنهایی از خدمات یعقوب بهره برده است». (پاورقی ترجمه پیروز سیار)

۶. ترجمه های فارسی چون مزده و قدیم؛ «سوزاننده»؛ ترجمه (۱۹۰۱) ASV به صورت *devoured* و پیروز سیار «به کام خود کشید» که درست تر
می نماید.

7. TWOT, v 1, p 40

8. Gesenius, *Hebrew and Chaldee lexicon*, p 43; *KBL*, p 43-4.

ب) چشیدن، تست کردن

و دیگری در تلخی جان می‌میرد، بی‌آنکه از نیکویی‌ها بچشد.^۹ (ایوب ۲۱: ۲۵؛ تثنیه ۴:

(۲۸)

ج) اشغال کردن، مانع چیزی شدن

حجره‌های فوقانی کوتاه بود؛ زیرا که دهلیزها مانع آنها بودند *כי-יִדְּלֶה / kī yōdklu*.

(حزقیال ۴۲: ۵)^{۱۰}

۳-۳. اهمیت ایماژ «خوردن» در تورات

در کتاب مقدس هیچ تصویری چون «خوردن» معنای لغوی را با استعاره‌ی، مادی را با معنوی به گونه‌ای پیچیده نیامیخته است. به این ترتیب برجسته‌ترین ایماژ و تصویر به کار رفته در کتاب مقدس است.^{۱۱} در این میان، مکافات عمل و نابودی در طیف اصلی قرار دارند. برای لشکر فاتح استعاره شمشیری که گوشت‌ها را می‌بلعد، (تثنیه ۳۲: ۴۲)^{۱۲} «خوردن» نمادی برای مجازات الهی وقتی است که آتش خداوند افراد مجرم را می‌بلعد، (لاویان ۱۰: ۲) مرگ و گور با تشخیص پذیری طعمه خود را به کام می‌کشند. (امثال ۱: ۱۲) در این باره باید دو نکته را در نظر داشت. از سویی «خوردن» در کنار «آشامیدن» و استراحت کردن «جزء شرایط انسانی»^{۱۳} محسوب می‌شوند و از سوی دیگر در جوامع کشاورزی متقدم مانند خاور نزدیک باستان، مردمان همیشه در معرض تهدید خشکسالی یا محصول نامرغوب بودند. به همین دلیل غذا نسبت به جوامع مرفه نوین به گونه‌ای پررنگ مورد توجه بوده است.^{۱۴}

۴. تکامل یک تصویر

تردیدی نیست که تشبیه «غیبت کردن» به «خوردن گوشت برادر مرده» در سوره حجرات، آیه ۱۲ از بالاترین درجه مبالغه برخوردار است. به طوری که در ادامه ناپسند بودن آن بدیهی تلقی شده است: «فکر هتموه». از لحاظ زبان‌شناختی، شکل‌گیری این تصویرسازی سه مرحله پیشین داشته است. اکنون با بررسی این مراحل به ویژگی‌های ادبی-هنری این تشبیه خواهیم پرداخت.

۹. ترجمه‌های فارسی به جز تفسیری در این عبارت کاملاً آزادند؛ ASV: And never tasteth of good.

10. Gesenius, *Hebrew and Chaldee lexicon*, p 43; BDB, p 37-8

11. DBI, p 236-7

۱۲. مقایسه شود با عربی که به کارد / چاقو گفته می‌شود: «أكلة اللحم»: (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۲۰۰؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ۱۲۴) مقایسه شود با ترکیب «آب شمشیر» در شعر حافظ: «زینهار از آب شمشیرت که شیران را از آن / تشنه لب کشتی و گردن در خلاب انداختی».

13. *Conditio humana*.

در مقابل، بر اساس اسطوره‌ها و تعویذهای سامی، دیوها و اجنه بسان شیرگرسنه و تشنه‌اند، اما نمی‌توانند بخورند، بنوشند و استراحت کنند ۱۴۹، J. Wellhausen, *Resite arabischen heidentums*,

به نقل از: TDOT, v 16, p 28.

14. TDOT, v 16, p 28

۴-۱. مرحله اول: استعاره از نهایت ذلت

در بخش نوبتیم تورات (کتاب های انبیاء) «خوردن گوشت خود» یا «خورده شدن توسط دیگری» در معنای استعاری «نهایت ذلت و خواری» به کار رفته است.^{۱۵} در کتاب اشعیا یهوه برای دلجویی قوم خود می گوید:

و به آنانی که بر تو ظلم نمایند گوشت خودشان را خواهم خورانید و به خون خود مثل شراب مست خواهند شد [الف] و تمامی بشر خواهند دانست که من یهوه نجات دهنده تو و ولی تو و قدیر یعقوب هستم [ب]. (۲۶: ۴۹)

یوهان فیشر در تفسیر بند الف می گوید:

این عبارت تأثیرگذار را در واقع نمی توان به خودکشی تفسیر کرد، بلکه به قتل و کشتار ایشان به دست همدیگر اشاره دارد. به این صورت که آنها در بلیه ناگهانی دچار اغتشاش می شوند و بر سر آن یکدیگر را سلاخی می کنند.^{۱۶}

از سوی دیگر آر. لوی^{۱۷} در تفسیر کتاب اشعیا از عبارت مذکور به «اوج خشونت» تعبیر کرده است، اما با در نظر گرفتن این نوع عبارت پردازی در سراسر تورات باید گفت که چنین عباراتی کاملاً در بافت استعاری قرار دارند و به معنای «کسی را به نهایت ذلت و بیچارگی قراردادن» دلالت دارد.^{۱۸} از دیگر نمونه های آن:

الف) از غضب یهوه زمین سوخته شده ... هر کس گوشت بازوی خود را می خورد אֲכַלְתָּ בֶּשָׂר
 $\text{בְּשָׂר-זְרוֹעוֹ, יֹאכְלוּ / יֹאכְלוּ} / \text{besar zerō'ōw yōkelū}$ (اشعیا ۹: ۱۹)

ب) پس گفتم شما را نخواهم چرانید. آنکه مُردنی است بمیرد و آنکه هلاک شدنی است هلاک شود و باقی ماندگان گوشت یکدیگر را بخورند. (زکریا ۱۱: ۹)

ج) مرد کاهل دست های خود را بر هم نهاده، گوشت خویشتن را می خورد אֲכַלְתָּ-בֶּשָׂר
 $\text{בְּשָׂרוֹ} / \text{we'ōkel 'et besārōw}$ (جامعه ۴: ۵)

کاربرد این استعاره در زبان های سامی بسی دیرین است. در یافته های باستان شناسی استعمال آن در لوح کیلامو^{۱۹} متعلق به قرن نهم قبل از میلاد دیده می شود. این لوح سنگی که به الفبای فنیقی و به آرامی کهن نوشته شده متضمن ۱۶ سطر است. در سطر ۶-۸ آمده است:

וכת ביד. מלכת כמאש. אכלת [Y] זקן. ו [כמ] אש. אכלת. יד. ואדר עלי מלך. ד [N]

۱۵. البته در مواردی از جمله گزارش سال های قحطی همان معنای لغوی مقصود است. (رک به: دوم پادشاهان، ۶: ۲۴-۲۳)

16. Fischer, *Das Buch Isaías*, v 2, p 114

17. R. Levy

18. Dahood, "Textual problems in ISAIA", p 404.

19. Kilamuwa.

نیم. [۸] אנך. עלוי. מלך אשר. עלמת. יתן. בש. וגבר. בסות.^{۲۰}

این متن چنین خوانده شده است:

wkt byd mlkm kmš 'klt zqn w[km]š 'klt yd w'dr 'ly mlk d[n]nym wškr 'nk 'ly mlk 'šr 'lmt ytn
bš wgrb bswt.

عبارت فوق به اشکال مختلف ترجمه شده است^{۲۱} و پیراسته ترین آن چنین است:

و من تحت کنترل پادشاهان قرار گرفته بودم، به طوری که ریش مرا می جویدند و حتی دست مرا می خوردند. پادشاه Dananians بر من سروری می کرد و من درمانده شده بودم (تحت اللفظی مست گشته بودم) در مقابل او، یعنی شاه آسور. (به طوری که) یک دختر به ازای گوسفندی و یک مرد به جامه ای فروخته می شد.^{۲۲}

ناگفته نماند که در تورات استعاره «خوردن دیگری» یا «خورده شدن توسط دیگری» در همین معنای مورد بحث نیز به کار رفته است:

و میوه بطن خود، یعنی گوشت پسران و دختران را که یهوه خدایت به تومی دهد در محاصره و تنگی که دشمنان تورا به آن زیون خواهند ساخت، خواهی خورد. (تثنیه ۲۸: ۵۳)

چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند. (مزامیر ۲۷: ۲)
همه آنهایی که تورا بلعیدند، بلعیده خواهند شد. (ارمیا ۳۰: ۱۶)

به این ترتیب تعبیر «خوردن گوشت خود» یا «خورده شدن توسط دیگری» به عنوان استعاره از «نهایت ذلت» مرحله اول و گام نخست به شمار می رود.

۲-۴. مرحله دوم: استعاره از تهمت، بدگویی

ریشه 'kl در ترکیب 'kl qrs' به معنای «تهمت زدن بدنام کردن» علاوه بر بخش های آرامی تورات در گویش های آرامی چون آرامی - یهودی، سریانی و مندایی به کار رفته است. در اکدی با تفاوتی واج نخست کلمه دوم به صورت 'kālu karšī ظاهر شده است. 'karšū به تنهایی به معنای «افترا، تهمت» بوده و از مشتقات صفتی آن 'karišū «موهن، افترا آمیز» است. ریشه سامی qrs' به معنای

20. KAI, v 1, p 5

۲۱. از جمله ترجمه توری (C.C. Torrey) چنین است:

"And I was in the midst of kings as though I were eating my beard, or even were eating my hand. The king of the Da(m)unis(?) was mighty against me, and I hired against him the king of Assyria. A girl was sold for a sheep, and a man for a garment".

با وجود اینکه توری مسیر تفسیر استعاری را پیموده و به درستی توجه داشته که «خوردن ریش [یا حتی وحشتناک تر] خوردن دست» ضرب المثل است برای شرایط کسی که در نهایت ذلت قرار گرفته است، کماکان این ترجمه با موانعی در فهم این کتیبه مواجه است. عبارت میانی «من پادشاه آسور را بر علیه او اجیر کردم» به وضوح آشفتگی می نماید؛ چراکه شاه درمانده ای چون کیلاموبا توجه به وضعیتی که داشته «یک دختر به ازای گوسفندی و یک مرد به جامه ای فروخته می شد»، شرایط اجیر کردن شاه آسور را نداشته است. (راجع به تلاش های دیگر مترجمان برای حل این معما رک به: Dahood, "Textual problems in ISAIA", p 405)

22. Dahood, "Textual problems in ISAIA", p 404-5.

«نیشگون گرفتن، گزیدن، نیش زدن» در عربی «فَرَصَ» به طور خاص در ترکیب «فَرَصَه بِلِسَانِه» به معنای «زخم زبان زدن، آزدن با زبان» نمایان شده است.^{۲۳} از کاربردهای آرامی آن در برخی کتیبه های کشف شده: *ana karšika a-ka-lim ana GN illik* «او نزد ایزد انلیل رفت تا از تو بدگویی کند» یا در عبارت *[k]aršija i-k[u]-la-kum-ma u ana awātišu taqūl* «او در حضور تو به من تهمت زد و تو سخنانش را شنیدی».^{۲۵}

رد پای این استعمال در بخش های آرامی تورات باقی مانده است. در کتاب دانیال این ترکیب یک بار درباره دوستان دانیال و یک بار درباره شخص او به کار رفته است:

[پادشاه دستور داد] کسانی که از دانیال بدگویی کرده بودند *אֲכָלוּ קְרָצוֹהֵי דַי / akalu qaršōhī dī* حاضر کنند.^{۲۶} [ترجمه فارسی ۲۴] و پیش تر در ۳: ۸)^{۲۷}

در این میان برخی از ترجمه های عربی در اینجا از دقت نظر بیشتری برخوردارند:
 الذین اتَّهَمُوا دانیال.^{۲۸}

از آنجا که این دلالت ضمنی محدود به اکدی *akālu karšī* و آرامی *kl qarš* نیست می توان گفت که مفهوم «سخن موهن / تهمت» در اصل متعلق به ریشه *qrs* بوده است؛ چرا که گازگرفتن با دهان تصویری از سخن آزاردهنده است و ارتباط آن با *kl* در یک تحول مستقل در اکدی شکل گرفته و در آرامی نه به صورت وام واژه، بلکه به گونه توارذ پذیرفته شده است. به هر روی این تلقی موجه می نماید که ترکیب *kl qarš* / *krš* برای تشدید مفهوم بوده است. توضیح آنکه کسی که «اعضای دیگری» را «به دندان می گیرد یا می کند» به نیش و کنایه زدن رقیب خود بسنده نمی کند، بلکه همه آنها را به کار می گیرد تا برتری خود را اثبات و رقیب را ذره ذره نابود کند. این قرابت و نزدیکی در سطح حسی میان *qrs* به عنوان اصطلاحی برای «نیشگون گرفتن، ناخن زدن به» که در ارتباط با دهان «گازگرفتن، نیش زدن» می شود (به ویژه در عربی که گذشت) و *kl* «خوردن، از بین بردن» به کار رفته است. در یک کتیبه آگاریتی این دو، *tikln* «بلعیدن» و *tqršn* «گزیدن، دندان گرفتن» در تناظر با هم اعمال اجته را توصیف کرده اند. به این ترتیب ترکیب *kl qarš* در سطح واقعی با تأکید بیشتر تخریب تدریجی را توصیف می کند و این عبارت تلاش شخص برای نابودی رقیب خود از طریق «تهمت» یا «اتهام»

23. TDOT, v 16, p 30.

و می توان با این عبارت کتاب امثال *קְרַץ שִׁפְהָיו כְּפֶה רֶפֶח / qōreṣ sepātāyu killāh rā'āh* (۱۶: ۳۰) که در بافت «وارونه جلوه دادن، چهره غلطی از کسی / چیزی ترسیم کردن، بدنشان دادن» به کار رفته مقایسه کرد. ترجمه قدیم از این عبارت چنین است: «لب هایش را به هم می خاید و بدی را به انجام می رساند».

24. Enlil.

25. CAD, v 1, p 255.

۲۶. ترجمه های فارسی در اینجا دقیق نیستند.

27. DT, v 1, p 63; Gesenius, *Hebrew and Chaldean lexicon*, p 43, 745; TDOT, v 1, p 238; TWOT, v 1, p 39.

۲۸. الفغالی، عوکر، العهد القديم ترجمة بين السطور، ص ۱۱۸۲، ۱۱۹۱.

ناروا» بیان می‌کند.^{۲۹} به این شکل از طریق همجواری *kl* با *qrs* معنای استعاره «تهمت زدن / بدگویی کردن» شکل گرفته است و یک گام به جلو برداشته می‌شود.

۳-۴. مرحله سوم: غیبت و بدگویی

به تبع زبان‌های سامی عبارت «خوردن گوشت آدمی» استعاره از «بدگویی» در مفهوم کلی آن برای گویشوران زبان عربی شناخته شده بوده است. قاموس‌های عربی و سپس منابع تفسیری برخی شواهد شعری را نقل کردند که حکایت از رایج بودن این صنعت ادبی در میان اعراب، پیش از نزول آیه مورد بحث دارد. برای مثال ماوردی (د ۴۵۰ ق) ذیل آیه مورد بحث می‌گوید:

واستعمل أكل اللحم مكان الغيبة لأن عادة العرب بذلك جارية.^{۳۰}

اکنون سه نمونه شعری را مرور می‌کنیم. ابن درید (د ۳۲۱ ق) ذیل دوریشه «حصن» و «رزن» به بیتی از حسان بن ثابت (د ۵۴۴ ق) در تبرئه عایشه و مدح او استناد کرده است:

حصانٌ رزانٌ لا تُزَنُّ بریبةٌ / وتُصبح غزئی من لحوم الغوافل

ترجمه تحت‌اللفظی آن چنین مضمونی دارد: «زن پاکدامن و متینی که هیچ تهمتی بدو روا نیست / زنی که همواره بی‌خبر و گرسنه از گوشت (آدمیان) است». توضیح این درید برای مصرع دوم چنین است:

خود را از سخن‌گفتن راجع به مردم گرسنه نگه می‌دارد.^{۳۱}

یعنی با غیبت ایشان خود را سیر نمی‌کند و در توضیح «غزئی» به معنای «گرسنه» می‌گوید:

یعنی او غیبت مردمان را نمی‌کند تا گوشت ایشان را بخورد.^{۳۲}

مفسران متعددی ذیل آیات دیگر (نساء: ۲۴؛ نور: ۱۱، ۱۹) از ابعاد دیگری به این بیت استناد کرده‌اند.^{۳۳} گفتنی است که حسان این بیت را در ضمن قصیده‌ای به سال پنجم هجری و در ارتباط با ماجرای اِفک سروده که دست‌کم دو سال قبل از نزول سوره حجرات بوده است. (نک: ادامه)

ابن عطیه (د ۵۴۲ ق) در رابطه با رایج بودن استفاده از این تشبیه در عربی به دو شاهد مثال دیگر استناد می‌کند. مورد نخست در اشعار سوید بن ابی کاهل الیشکری (د ۶۰۰ ق):

فإذا لاقيته عظیمی / وإذا يخلوا له لحمی رتع^{۳۴}

29. TDOT, v 16, p 27-8.

۳۰. ماوردی، النکت والعیون، ج ۵، ص ۳۳۵ و بازتاب آن در تفسیر قرطبی، ج ۱۶، ص ۳۳۵.

۳۱. «تصبح جانعة من الکلام فی الناس»، ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۵۴۳.

۳۲. «أی هی لا تغتاب الناس فتأکل لحومه» ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۱۱.

۳۳. از جمله رک به: ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۵۴۵؛ طبرانی، التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۲۱۷، ج ۴، ص ۴۱۵-۴۱۰؛ جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۹۳؛ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۴۱۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۶؛ خازن، لباب التأویل فی معنای التنزیل، ج ۳، ص ۲۸۷؛ خطیب شربینی، السراج المنیر، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳۴. ترجمه: «آن‌گاه که به ملاقاتش درآیم، مرا تعظیم می‌کند و وقتی نیستم گوشتم را می‌بلعد».

فعل «رتع» در معنای اولیه برای «چرانیدن رمه» به کار می رود.^{۳۵} زمخشری ذیل این بیت به کاربرد استعاری آن نیز اشاره می کند:

رتع فلان فی لحمی، إذا اغتابک.^{۳۶}

و مورد دیگر در شعر المقنع الکندی (د ۶۹۹ق از شاعران عصر اموی):

وَإِنْ أَكَلُوا لَحْمِي وَفَرَّتْ لِحَوْمِهِمْ
وَإِنْ هَدَمُوا مَجْدِي بَنِيْتُ لَهُمْ مَجْدًا^{۳۷}

به این ترتیب در عربی تعبیر «أكل لحم غیرا» به معنای «خوردن گوشت دیگری» استعاره ای رایج از «غیبت کردن» بوده است.

۴-۴. مرحله چهارم: تشبیه غیبت به خوردن گوشت برادر مرده

قرآن در سوره حجرات آیه ۱۲ که از سوره های مدنی به شمار می رود،^{۳۸} مؤمنان را از سه منکر سوء ظن، فضولی در امور دیگران و غیبت کردن نهی می کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ... وَلَا تَجسسُوا وَلَا يُغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا.

آن گاه در قالب یک تشبیه، ناشایست بودن مورد سوم «غیبت» برجسته شده است:

أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؛ أَيَا كَسِيٍّ أَزْشَمًا دَوَّسًا دَرَدَمًا
را بخورد؟ از آن کراهت دارید.^{۳۹}

این پرسش که در قالب یک استفهام انکاری بیان شده است پاسخ روشنی دارد، اما به سبب شدت وضوح آن ناگفته مانده و به تعبیر طوسی در تقدیر است.^{۴۰} مفسران به تناسب بحث به تفاوت دو منکر «غیبت» و «تهمت، بهتان» پرداخته اند. فراء به گونه ای موجز آورده است:

فإن الغيبة، أن تقول ما فيه وإذا قلت ما ليس فيه فهو البهت.^{۴۱}

صنعت تشبیه بر چهار پایه مشبّه، مشبّه به وجه شبه و ادات تشبیه استوار است. در این میان می توان

در ضبط مصرع نخست تفاوت هایی وجود دارد که البته به محل شاهد بحث آسیبی نمی زند. برای مثال در خود دیوان سوید این گونه آمده است: «ویحییبنی إذا لاقیته». (الیشکری، دیوان، ص ۳۱)

۳۵. آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۲۲۶.

۳۶. زمخشری، أساس البلاغة، ص ۲۲۰.

۳۷. ابن عطیه، المحجر الوجیز، ج ۵، ص ۱۵۲؛ نیشابوری، وضع البرهان فی مشککات القرآن، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳۸. تعالیمی این موضوع را اجماعی خوانده است. (رک به: جواهر الحسان، ج ۵، ص ۲۶۷) برخی بر اساس روایتی از ابن عباس تنها آیه ۱۳ را استثنا کردند. (طوسی، التبیان، ج ۹، ص ۳۳۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۳؛ میبدی، کشف الأسرار، ج ۹، ص ۲۴۴) در هر حال به تعبیر رامیار این سوره جزء ۲۰ سوره قطعاً مدنی است. (رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۱۰) در تفاسیر برای برخی آیات این سوره شأن نزول هایی ذکر شده که بر اساس آن می توان تاریخ گذاری اجمالی برای آن استخراج کرد. با مروری بر اقوال مطرح می توان نزول سوره حجرات را حدود سال هفتم هجری دانست. همین طور مضمون کلی سوره نیز که بر محور تجلیل از مقام پیامبر و تعلیم آداب اجتماعی دینی برای مؤمنان است حکایت از نزول آن پس از استقرار نسبی جامعه نوپای اسلامی در مدینه دارد.

۳۹. ترجمه فولادوند.

۴۰. طوسی، التبیان، ج ۹، ص ۳۵۱.

۴۱. فراء، معانی القرآن، ج ۳، ص ۷۳؛ طبری، جامع البیان، ج ۲۶، ص ۸۶؛ جصاص، احکام القرآن، ج ۵، ص ۲۹۰.

وجه شبه و ادات تشبیه را از سخن سترد، اما حضور آن دو دیگر ضروری است. ادیبان معتقدند از این دو پایه نیز «پایه برترین مانسته (مشبّه به) است»^{۴۲} و این برتری بدان سبب است که سخنور می‌خواهد به یاری تشبیه، دریافتی روشن و رسا به مخاطب بدهد. انتخاب مشبّه به وقتی به درستی صورت می‌گیرد که تردیدی در سرآمد بودن آن وجود نداشته باشد؛ به تعبیر تفتازانی «أن يكون المشبّه به أتم شيء فيه»^{۴۳}، به طوری که خواننده و شنونده به آسانی پیوند آن دورا بیابند.

با توجه به توضیحی که گذشت تشبیه در آیه سه ویژگی مهم دارد: اولاً درون مایه دیرین سامی «أكل لحم غیر» در آن حفظ شده است و در تعبیر ماوردی گذشت که این استعمال برای اعراب شناخته شده بوده است.^{۴۴} دوم آنکه وجه تشبیه برای مخاطب روشن است. همان طور که میت توان دفاع از خود ندارد، شخص غیبت شونده نیز نمی‌تواند از خود دفاع کند.^{۴۵} سوم با انتخاب «گوشت برادر مرده» به عنوان مشبّه به به دلیل بار روانی - احساسی بیشتر نهایت مبالغه در آن صورت گرفته است تا در پرتو روشنی و رسایی آن، زشتی و منکر بودن مشبّه «غیبت کردن» نیز آشکار شود. مفسر معاصر مراغی (۱۳۷۱ق) می‌گوید:

... آیه به مفهوم پیشین اضافه کرده و آن را گوشت برادر مرده قرار داده، به این جهت تصویر نفرت‌انگیزی خلق کرده تا همگان آن را پلید دانند.^{۴۶}

این تشبیه به سبب پیوند گویا و روشنی که بین دو سوی تشبیه برقرار کرده است، کمال تصویرگری را در خود دارد و از این صنعت زبانی از نهایت درجه ممکن استفاده کرده است. به این ترتیب در صنعت زبانی به کار رفته در آیه ۱۲ سوره حجرات حرکت از سادگی به مبالغه، انتقال از استعاره به تشبیه رسا شکل گرفته، به گونه‌ای که ضمن حفظ درون مایه مشترک زبانی. فرهنگی، آن را تکامل نیز بخشیده است.

۵. جمع‌بندی

مطالعه تطبیقی زبان‌های سامی سابقه‌ای بیش از دو قرن دارد و ده‌ها اثر شاخص اهمیت و نقش آن را در فهم بهتر متون اثبات کرده‌اند. در این مقاله به عنوان مطالعه موردی، سیر تحول و بلکه تکامل یک تصویرسازی در این زبان‌ها ترسیم شده است. درون مایه مشترکی که در صنایع ادبی استعاره و تشبیه وجود داشت، از سویی متأثر از کاربردهای مشترک ریشه‌ی kl در زبان‌های سامی و از سوی دیگر برانگیخته از پیوند دیرین و ناگسست فرهنگی. اجتماعی اقوام سامی است.

۴۲. تفتازانی، شرح المختصر، ج ۲، ص ۱۰؛ کرازی، بیان: زیباشناسی سخن پارسی، ص ۴۱.

۴۳. تفتازانی، شرح المختصر، ج ۲، ص ۵۵.

۴۴. ماوردی، النکت والعیون، ج ۵، ص ۳۳۵.

۴۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۰۶.

۴۶. مراغی، تفسیر، ج ۲۶، ص ۱۴۰.

با مطالعه زبان شناسی تاریخی. تطبیقی سامی دریافتیم که تشبیه ناهنجار اخلاقی «غیبت کردن» به «خوردن گوشت برادر مرده» سه مرحله یا لایه زیرین داشته است. یافته های باستان شناسی کاربرد صورت اولیه از درون مایه آن را به قرن نهم قبل از میلاد می رسانند که به صورت استعاره رواج داشته است. این صورت نخستین با پیمودن دو مرحله دیگر زمینه شکل گیری یک تشبیه کارا و قوی را در زبان قرآن فراهم کرد.

کتابنامه

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ق.
کتاب مقدس؛ ترجمه قدیم؛ لندن، ایلام، ۲۰۰۲م.
عهد عتیق؛ کتاب های شریعت یا تورات؛ ترجمه پیروز سیار؛ تهران، هرمس، ۱۳۹۳ش.
آذرنوش، آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی. فارسی؛ تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ش.
ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
ابن درید، محمد بن حسن؛ جمهرة اللغة؛ بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ق.
ابن عطیه، عبد الحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز؛ تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی؛ بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ تصحیح هارون عبدالسلام محمد؛ قم، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
أزهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
تفتنازانی، سعدالدین؛ شرح المختصر؛ قم، دار الحکمة، بی تا.
ثعالبی، عبدالرحمن؛ جواهر الحسان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق عبدال موجود عادل احمد و ابوسنه عبدالفتاح؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
جصاص، احمد بن علی؛ احکام القرآن؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
حییم، سلیمان؛ فرهنگ عبری. فارسی؛ تهران، انجمن کلیمیان، ۱۳۶ش.
خازن، علی بن محمد؛ لباب التأویل فی معنای التنزیل؛ مصحح عبدالسلام محمد علی شاهین؛ بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
خرمشاهی، بهاء الدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی؛ تهران، ناهید، ۱۳۷۷ش.
خطیب شربینی، محمد بن احمد؛ السراج المنیر؛ تحقیق ابراهیم شمس الدین؛ بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.
زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
_____؛ اساس البلاغة؛ بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹م.
طبرانی، سلیمان بن احمد؛ التفسیر الکبیر؛ اردن، دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ مصحح فضل الله یزدی و هاشم رسولی؛ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد حبیب عاملی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
عیوضی، حیدر؛ حبه های نقره قام: الهیات و مضامین کتاب مقدسی در شعر فارسی؛ قم، ادبیات، ۱۳۹۶ش.

فراء، یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن؛ تحقیق محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی؛ قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰ م.

الغالی، بولس، عوکر، انطون؛ العهد القديم ترجمة بين السطور؛ جونیه، جامعة الانطونية، ۲۰۰۷ م.

قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.

کزازی، میرجلال الدین؛ بیان؛ زیباشناسی سخن پارسی؛ تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۳ ش.

ماوردی، علی بن محمد؛ النکت و العیون؛ تحقیق سید بن عبدالمقصود؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

مراغی، احمد مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت، دارالفکر، بی تا.

میبدی، احمد بن محمد؛ کشف الأسرار و عده الأبرار؛ به اهتمام علی اصغر حکمت؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

نیشابوری، محمود بن ابوالحسن؛ وضح البرهان فی مشکلات القرآن؛ بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۰ ق.

البشکری، سوید بن أبی کاهل؛ دیوان؛ تحقیق شاکر العاشور؛ بصره، ۱۹۷۲ م.

ASV: American Standard Version (The Holy Bible), (1901), New York, Thomas Nelson & Sons.

BDB: The Brown – Driver – Briggs Hebrew and English Lexicon, F. Brown, S. Driever and C. Briggs, (1996), USA: Hendrickson.

CAD = Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago, Editorial Board: Ignac Gelb & Benno Landsberger & others, (1998), Chicago, Illinois, Oriental Institute.

Dahood, J. Mitchell, (1960), "Textual problems in ISAIA", The Catholic Biblical Quarterly, 22.

DBI: Dictionary of Biblical Imagery, Leland Ryken & James C. Wilhoit & Tremper Longman (Editors), (1998), Inter Varsity Press, Illinois.

DT: A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalimi, and the midrashic Literature, Jastrow, Marcus, (1903), London: LUAC.

Fischer, Johann, (1903), *Das Buch Isaias*, Bonn, Hanstein.

Gesenius, Friedrich Wilhelm, (1979), Hebrew and Chaldee lexicon to the Old Testament Scriptures, Baker Book House.

KAI: *Kanaanäische und aramäische Inschriften*, Herbert Donner & Wolfgang Röllig, (2002), Harrassowitz Verlag, Wiesbaden.

KBL: *Lexicon in Veteris Testamenti Libros*, Ludwig Koehler & Walter Baumgartner, (1958), Leiden, Brill.

TDOT: *Theological Dictionary of the Old Testament*, G. Johannes Botterweck, Helmer Ringgren and Heinz Josef Fabry (Editors), Translators: David E. Green, John T. Willis, Douglas W. Scott, Eardmans, Mark E. Biddle, (1975- 2018), USA: Michigan, William B. Eerdmans Publishing.

TWOT: *Theological Wordbook of the Old Testament*, R. Laird Harris & Gleason L. Archer & Bruce K. Waltke (Editors), (1980), Chicago: Moody Press.